

شرق

www.sharghdaily.ir

سه شنبه ۲۳ دی ۱۳۹۹ ۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۲ ۱۲ ژانویه ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۳۹۱۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۳ • اذان مغرب ۱۷:۳۱

اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

کمبود گاز و عدم توزیع صحیح کپسول، باعث ایجاد مشکلاتی در چند شهر سیستم‌انوبلوچستان شده است./عکس: مهرناز مهریوبان، باشگاه خبرنگاران جوان



زنان

صخره شیشه‌ای*

است که آیا به همین دلیل است که وقتی شرایط سخت است به سراغ زنان می‌روند. مثلا این بار در بحران کرونا بود که یک تحقیق عیان کرد نتایج مربوط به کووید۱۹، از جمله تعداد موارد مرگ‌ومیر، به طور سیستماتیک در کشورهایی که توسط زنان هدایت می‌شوند، کمتر است. از سوی دیگر در ارزیابی عملکرد زنان فرماندار ایالات متحده مشخص شد که ابالات‌هایی با مدیران زن، میزان مرگ‌ومیر کمتری دارند. این مقاله با نگاهی به داده‌های جهانی پایگاه «ارزیابی ۳۶۰ درجه» می‌خواهد بداند آیا الگویی در نحوه‌وکنش مدیران زن و مرد در طول بحران وجود دارد یا خیر و چه کسی صلاحیت بیشتری برای رهبری در یک بحران را دارد؟ سال گذشته، درباره چگونگی رتبه‌بندی زنان به‌عنوان رهبران بهتر در مقایسه با مردان مقاله‌ای نوشتم. داده‌های ما از تجزیه‌وتحلیل و ارزیابی بیش از ۶۰ هزار رهبر (۲۲ هزارو ۶۰۳ زن و ۴۰هزارو ۱۸۷ مرد) به دست آمده است. ما می‌خواستیم داده‌های مشابه جمع‌آوری‌شده در مرحله اول بحران کووید۱۹ را بررسی کنیم تا ببینیم آیا این رتبه‌بندی تغییر کرده است یا خیر. بین مارس و ژوئن سال جاری، ۵۴۲ مرد و ۳۶۶ زن از نظر میزان تأثیر رهبری با استفاده از پایگاه «ارزیابی ۳۶۰ درجه» به‌عنوان رهبران فوق‌العاده توسط ما ارزیابی شدند. با تجزیه‌وتحلیل قبل از همه‌گیری، دریافته بودیم که زنان به طور درخورتوجهی بالاتر از مردان در ارزیابی‌ها قرارمی‌گیرند. در واقع شکاف بین زنان و مردان در همه‌گیری حتی بیشتر از آمارهای قبلی است که احتمالا نشان‌دهنده عملکرد بهتر زنان در شرایط بحرانی است. زنان در ۱۳ مورد از ۱۹ معیار از جمله معیار کلی رهبری مؤثر برتر از مردان هستند. مردان در یک معیار - تخصصی فنی / تخصصی - رتبه‌بندی بهتری داشتند اما از نظر آماری تفاوتشان معنی‌دار نبود. سؤال این است

جوزف فالکمن و جک زلگنر تحلیلی براساس مجموعه پژوهش‌هایی که درباره نحوه مدیریت زنان در بحران انجام شده، در هاروارد بیژننس ریویو ارائه داده‌اند. در این تحلیل‌ها یک نکته مهم اشاره شده است و آن برتری زنان در مدیریت بهنگام بحران است. بخش‌هایی از این مقاله را در زیر می‌خوانیم.

در طول این مدت گسترش ویروس کرونا درباره اینکه زنان در طول بحران عملکرد بهتری نسبت به مردان داشته‌اند، بیان شده است. براساس تجزیه و تحلیل پایگاه «ارزیابی ۳۶۰ درجه» که بین مارس و ژوئن سال جاری انجام شده است، زنان از سوی همکاران خود نسبت به مردان، مؤثرتر ارزیابی می‌شوند. شکاف بین زنان و مردان در انجام بهتر عملکرد در طول همه‌گیری حتی بیشتر از قبل بوده است که احتمالا نشان می‌دهد زنان در شرایط بحرانی عملکرد بهتری دارند. هنگام بحث درباره عملکرد رهبران زن، پدیده‌ای وجود دارد که به آن «صخره شیشه‌ای» می‌گویند. این یک توصیف آشکارتر نسبت به اصطلاح سقف شیشه‌ای است. سقف شیشه‌ای به‌عنوان مانع نامرئی پیشرفت زنان ارزیابی می‌شود و هنگامی به کار برده می‌شود که زنان توانمند برای ارتقا به سطح عالی یک سازمان آماده هستند اما این ترفیع انجام نمی‌شود یا جلوی آنها گرفته می‌شود. «صخره شیشه‌ای» این ایده را توصیف می‌کند که وقتی شرکتي دچار مشکل می‌شود، به یک رهبر زن برای نجات آن مسئولیت داده می‌شود. درواقع سرانجام زمانی زنان فرصت اثبات و حضور در مقام ارشد پیدا می‌کنند که چیزی از قبل شکسته شده یا احتمال شکست در آن زیاد است. در آن زمان عرصه در اختیار زنان قرار می‌گیرد یا آن مقام به آنها تحویل داده می‌شود. ما بارها دیده‌ایم که این اتفاق افتاده و هر بار نیز باعث حیرت ناظران می‌شود. سؤال این

تجربه ما

حق طلاق، حقی برای برابری

نیز زن نامه‌ای نوشتند و راه‌حل ارائه دادند که اگر امکان برابری برابری حقوقی نیست حداقل چند مورد تصحیح شود تا از اجحافی که به موجب این برتری نصیب زنان می‌شود، کاسته شود. اجحاف‌های متعددی که به قتل‌ها و خودکشی‌های زنان منجر شده است. در این بیانیه آمده است: «اگر قانون برای زنان حقوق برابر در ازدواج در نظر می‌گرفت، مهریه اهرمی برای خروج زنان از بی‌بست‌های قانونی نبود. همچنین اگر حاکمیت امکان اشتغال زنان را فراهم می‌کرد، زنان برای ادامه زندگی بعد از طلاق مجبور به گرفتن مهریه یا طلب‌کردن مهریه بالا در زمان ازدواج نمی‌شدند». آنها سه پیشنهاد داده‌اند: - تصصیف اموال: راه‌حلی است که می‌تواند جایگزین مهریه شود؛ به‌این‌ترتیب که همه اموالی که طی زندگی مشترک حاصل شده، حتی اگر همه آن به اسم مرد ثبت شده باشد، اموال مشترک زن و مرد تلقی شود و بعد از طلاق به طور مساوی بین آنها تقسیم شود.

- حذف مجازات زندان برای بدهی مهریه (که به لحاظ حقوقی یک بدهی همانند سایر بدهی‌هاست) می‌شود. از نظر او: «هم‌اکنون با شرایط فعلی اقتصادی تضییع حق زنی است که قادر به استیفا طلب قانونی خود از مرد نشده است. اگر قرار است مرد به دلیل عدم تمکن مالی مهریه را پرداخت نکند و متحمل مجازات زندان هم نشود، ضروری است که قانون‌گذار راه دیگری برای ادای دین مردان فاقد تمکن مالی پیش‌بینی کند که

صاف و ساده

عاقبت کینه‌پردازی و نفرت‌افزایی

فرصتی برای حمله و ایجاد اضطراب و تشویش عمومی استفاده می‌کنند.

بخشی از آنها در خارج از کشور هستند و علیه مقامات سیاسی مطلب منتشر می‌کنند. برایشان منافع ملی اهمیتی ندارد. در این مطلب، سیاست‌مداران متهم به خیانت می‌شوند و مخاطبان را به نافرمانی فرامی‌خوانند. آنها هر روز به بهانه‌ای، اخبار دستکاری‌شده را برای تشویق به خشونت و شورش، تولید و پخش می‌کنند.

بخش دیگر در داخل هستند و در نقش حمایت با سوءاستفاده از اصل آزادی بیان و زیرپا گذاشتن منافع ملی، نهادهای برخاسته از رأی مردم را زیر سؤال می‌برند. برخی مسئولان را علنا خائن می‌نامند و مخاطبان خود را تحریض و تشویق به خشونت می‌کنند. من به جهت پژوهش، در برخی گروه‌های تلگرامی و واتس‌آپی عضو هستم و پیام‌های اینستاگرامی را هم رصد می‌کنم. شاید بخشی از پیام‌های تحریک‌آمیز، از مراکز تولید و پخش می‌شود که به‌ظاهر با برخی نهادهای رسمی مرتبط هستند یا تحت حمایت آنها قرار دارند. آنها گروه‌های متعددی درست کرده‌اند و پیام‌ها را در مقیاس وسیع پخش می‌کنند. وضعیت مثل میدان جنگ است؛ هر موضوع‌گیری مقامات، به‌سرعت در این شبکه‌های به‌هم‌تنیده بازتاب می‌یابد و در برابر آن مطلب تولید و منتشر می‌شود.

اخیرا با ادمین گروهی که به‌شدت علیه حسن روحانی فعال است و مطالب توهین‌آمیز متعددی منتشر می‌کند، چت می‌کردم. از او پرسیدم وقتی رهبری به‌صراحت توهین به رئیس‌جمهور را حرام اعلام کردند، چطور شما این مطالب را به تکرار منتشر می‌کنید؟ او مرا به سخنی از مرحوم مصباح حواله داد که «فهمیدن نظرات رهبری معظم انقلاب، کار ساده‌ای نیست و باید از طریق قراین و سخنان از اصل نظرانشان مطلع شد». او معتقد بود نباید تنها ظاهر سخنان رهبری را مبنای عمل قرار داد، بلکه باید به ترجیحات قلبی بی‌برد! حال نتیجه چنین دیدگاه تدروانه و غیرمنطقی‌ای سیل پُست‌هایی است که دست به دست می‌چرخد و دو قطب کاملا متضاد ایجاد می‌کند. حاصل شوم این قطبی‌سازی، می‌تواند نزاع داخلی فرساینده‌ای باشد که کشور و ملت را دچار مشکل کند.

انسان‌ها از جنگ و خون‌ریزی بسیار آسیب دیده‌اند و هر نزاعی، ریشه در فضاسازی‌هایی دارد که تخم کینه و نفرت را در قلب انسان‌ها می‌کارد. طرفه آنکه تجربه تاریخ نشان می‌دهد کینه‌پردازان و نفرت‌افزاین، آخر خود قربانی اصلی آتشی می‌شوند که برافروخته‌اند. امروز خردمندان و صلحای جامعه وظیفه دارند برای جلوگیری از این جریان فراینده تشویق به خشونت، کاری کنند؛ پیش از آنکه سیل حاصل از آن مملکت را دچار آسیب کند. قدم اول آن است که گوهر آزادی بیان از صاحبان اندیشه و نیز رسانه‌های شناسنامه‌دار دریغ نشود. همه فعالان فضای مجازی در داخل و خارج، منافع ملی ایران عزیز را سرلوحه خود قرار دهند. فعالیت همه نهادهای در فضای مجازی شفاف شود و نیز هزینه انتشار پست بی‌شناسنامه و بدون نام، چنان باشد که دیگر برای هیچ‌کس نصرفد. عاقبت نفرت‌افکنی، جنگ و بدبختی است.

اتفاق

چشم‌هایی نگران گورستان تاریخی ارامنه

نگرانی شده؛ از جمله درخواست نماینده ارامنه تهران از رئیس شورای شهر و مونسان. آرا شاوردیان – نماینده مسیحیان ارامنه تهران و شمال تهران – ۱۶ آذر در نامه‌ای به محسن هاشمی‌رفسنجانی - رئیس شورای اسلامی شهر تهران - نسبت به این صحنه‌ها اعتراض و درخواست پیگیری داشته است. او در نامه خود این‌طور آورده است: «احتراما با توجه به آغاز پروژه مرمتی آرامستان تاریخی ارامنه دولاب توسط شهرداری، براساس مصوبه ۱۶ آذر ۱۳۹۹ شورای اسلامی شهر و

با توجه به اخبار منتشرشده مبنی بر تخریب سنگ قبرها در پروژه و همچنین انتشار اخباری مبنی بر تغییر نام میدان تاریخی ارامنه به صلح یا تغییر نام گورستان تاریخی قاجاری ارامنه (طبق اسناد ثبت ملی این گورستان در وزارت میراث فرهنگی - پیوست) خواشمندم دستور فرمایند موارد فوق‌الذکر بررسی و گزارش‌ی ارائه تا نگرانی جامعه ارامنه ایران مرتفع شود. لازم به ذکر است دستور فرمایند قبل از شروع مجدد طرح مرمتی آرامستان نسبت به معرفی خاطیان، معرفی شرکت پیمانکار و ناظر بر پروژه اقدام لازم صورت پذیرد». محمدعلی اسدی، عکاس ایسنا که در چند روز گذشته از این آرامستان بازدید کرده، درباره وضعیت قبرها و طرح ساماندهی می‌نویسد: «بازسازی فقط به کلیسای داخل آرامستان، پیاده‌راه‌های میانی، استخر، برخی المان‌ها و سرویس بهداشتی چونه‌ها و کانال‌های سیمانی و آجری محدود شده و آسیبی به سنگ قبرها و بافت تاریخی آن وارد نشده است. این آرامستان حدود ۲۰۰ سال قدمت دارد و از میانه دهه ۷۰ شمسی تدفینی در آن صورت نگرفته است.»

تصویب طرحی برای ساماندهی پنج گورستان تاریخی در تهران موجب شد تا بسیاری از علاقه‌مندان به میراث فرهنگی در ایران و تهران نگران قبرهای تاریخی شهر شوند. زیرا پیش از این هم اتفاق ناگوار این‌چنینی در طرح ساماندهی یکی، دو گورستان تاریخی در تهران رخ داده بود؛ تخریب قبرهای تاریخی به بهانه یک‌دست‌سازی یک گورستان تاریخی و تبدیل آن به مکانی بی‌هویت. در میانه همین نگرانی‌ها بود که انتشار تصاویری از سنگ قبرهای تخریب‌شده گورستان



تاریخی ارامنه در دروازه دولاب موجب شد تا بسیاری از فعالان و علاقه‌مندان به میراث فرهنگی و آثار تاریخی درخصوص وضعیت این گورستان که سنگ قبرهای بی‌نظیری دارد، ابراز نگرانی کنند. اگرچه در چند روز گذشته «آرا شاوردیان» نماینده ارامنه تهران و شمال کشور، اقبال شاکری نماینده مردم تهران، تعدادی از اعضای شورای خلیفه‌گری ارامنه و شهردار منطقه ۱۴ تلاش کردند با دعوت خبرنگاران و عکاسان به این مجموعه تاریخی نگرانی‌ها را از بین ببرند اما همچنان برخی رویدادهای مهم حول این بنای تاریخی موجب

دغدغه‌های طبییانه

دموکراسی برای زندگی



• اتفاقی که در هفته گذشته در آمریکا افتاد همه را شوکه کرد. «ترامپ» که از پذیرش شکست در انتخابات سر باز زده و از معاون خود خواسته بود تا در برابر پذیرش پیروزی «بایدن» مقاومت کند، برای واردکردن فشار بیشتر از طرفداران خود خواست که به خیابان‌ها بریزند. اما این کار «ترامپ» و هوادارانش با اتفاقی چنان غیرمنتظره همراه شد که دیگر جایی برای دفاع از او باقی نگذاشت. طرفداران «ترامپ» به خیابان‌ها ریختند. به سوی کنکره حرکت کردند، از مرزهای امنیتی گذشتند و حتی وارد ساختمان کنکره شدند. آنها در برابر چشم‌های متحیر جهان، کنکره یعنی نماد دموکراسی را اشغال کردند. آنها شکل‌ها و شمایل گوناگونی داشتند. حتی می‌توانستیم در بین آنها بتمن را هم ببینیم. با انسانی با شمایل بدوی که نعره می‌کشید. همه اینها آمده بودند تا در دفاع از «ترامپ» نمادهای دموکراسی را بلرزانند. برای خیلی‌ها در این سوی جهان هم این توهم پیش آمد که دموکراسی موضوعی تسمخ‌آرور بوده و بگویند این بود آن دموکراسی که از آن دم می‌زدید؟ غافل از اینکه خود جامعه و دولتمردان آمریکا در جهت حفظ دموکراسی حتی در بحرانی‌ترین لحظاتی که آن را تهدید می‌کرد، کوشیده‌اند. تأکید سناتور «لیندسی گراهام» که مهم‌ترین حامی «ترامپ» به شمار می‌آمد بر اینکه دیگر بس است، حاکی از همین اولویت‌های جامعه آمریکاست. شاید مهم‌ترین گواه بر ریشه‌داربودن دموکراسی این بود که حتی در چنین بحبوحه و فشاری، دولتمردان آمریکا به سوی محدودکردن آزادی‌های مدنی پیش نرفتند و هیچ‌کس حق ابراز عقیده، آزادی بیان و اعتراض را زیر سؤال نبرد. درست است که هیچ‌کس باور نمی‌کرد در کشور آمریکا روزی مردمانش به کنکره حمله و آن را تسمخ‌ر کنند اما خصلت ملی دموکراسی این است که از همه اینها درس گرفته و سعی در بهبود شرایط خودش می‌کند. دموکراسی و آزادی دو جزء بزرگ انسانی هستند که هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را از بشریت بگیرد. دموکراسی عین زندگی است و اگر دموکراسی



نباشد، بدیهی‌ترین حقوق شهروندی و انسانی در یک جامعه زیر سؤال خواهد رفت. خوب زمانی را به خاطر دارم که «ژان ماری لوپن» به دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه راه یافت. «ژان ماری لوپن» پایه‌گذار جبهه ملی فرانسه و یکی از تندروترین و سدراستی‌ترین سیاست‌مداران فرانسه است. او بعد از سال‌ها تلاش توانست با توجه به فضای آن روزگار فرانسه عده زیادی را در طرفداری از خود بسیج کرده و ناگهان با پیشی‌گرفتن از «لیونل زوسپن» به دور دوم انتخابات راه پیدا کند. همه جهان شوکه شد. بادم هست در یکی از نظرات جوانانسی که طرفدار «لوپن» بودند، یک معلم تاریخ ناگهان یکی از این جوانان را گرفت و برایش یادآوری کرد که فرانسه کشور آزادی و دموکراسی است و کسی نمی‌تواند این ارزش‌ها را زیر سؤال ببرد. آن روز فهمیدم که این کشورها بی‌دلیل به جایگاه امروزی خود نرسیده‌اند. همچنین کشورهای پیشرفته، حافظان فراوانی برای ارزش‌های به‌دست‌آورده خود دارند و نمی‌گذارند به‌راحتی این ارزش‌ها از بین برود. اتفاقی هم که در هفته قبل در آمریکا افتاد به محکم‌شدن پایه‌های دموکراسی در این کشور منجر خواهد شد. دموکراسی این اجازه را می‌دهد که پایه‌های حکومتی این نظام مورد نقد قرار گیرد؛ چه شد که راستی‌های تندرو تا این حد قدرت و جسارت پیدا کردند؟ چه اشکالاتی در جامعه آمریکا مواضع نادرست آنها را تقویت کرد؟ یک نظام آزاد که دست به نقد خود زده و اجازه بیان اعتراضات و نقدها را می‌دهد می‌داند که همین نقدها و اعتراضات است که به بقا و رشد جامعه یاری می‌رساند. هیچ‌کس منکر نمی‌شود که بیشترین خدمت را به نظام سرمایه‌داری منتقدان بزرگی مانند «کارل مارکس» کرده‌اند که با نشان‌دادن نقاط ضعف این نظام، راه عبور از خطرهایی که پایه‌های سرمایه‌داری را تهدید می‌کرد، نشان دادند. دموکراسی و آزادی مهم‌ترین دغدغه‌های انسانی است. در یک نظام آزاد است که انسان‌ها حق شهروندی پیدا می‌کنند و از حقوقی چون بهداشت، سلامت و رفاه نیز برخوردار می‌شوند. همه باید برای بزرگداشت دموکراسی تلاش کنیم. سقوط دموکراسی در هر جای جهان، ضد مفهوم انسانیت و بشریت است.